

حق بر شهر

ساناز کامیارراد*

کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه مفید قم، قم، ایران

مهدی هداوند

استادیار حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

صفرعلی کامیارراد

کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

شهرها بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند. تسخیر شهرها و تخریب محیط زیست آسیب جبران‌ناپذیری بر شهر و شهروندان وارد کرده است. بخش قابل توجهی از جمعیت شهرنشین از حقوق بشری بی‌بهره‌اند. برای رسیدن به معیارهای مطلوب زیستی مطابق با کرامت انسانی و رفاه شهروندان، باید اصولی اساسی رعایت شود. حق بر شهر ایده‌ای است که اخیراً به وسیله جنبش‌های اجتماعی و متفکران حقوق شهری جهت تأمین حقوق بنیادین بشر مورد بررسی قرار گرفته است. این حق یکی از انواع حقوق بشری است که در اسناد بین‌المللی و داخلی کشورها شناسایی شده است. جامعه مهندسين بخشی از مطالعات خود را معطوف حق بر شهر و اهمیت رعایت آن نموده‌اند، اما شهر موضوعی منحصر به دانش شهرسازی نیست؛ از نظر حقوقی نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. این نوشتار می‌کوشد با معرفی حق بر شهر، نقش این حق بنیادین بشری را تفسیر و نهادهای متعهد و مسئول حمایت و حفاظت از آن را بازشناسد.

واژگان کلیدی: حق بر شهر، حقوق بنیادین بشر، حقوق شهری، حقوق شهرسازی، نهادهای مسئول.

مقدمه

«کنار روستایی که من دوران کودکی‌ام را در آن سپری کرده‌ام، شهر کوچکی در حال ساخته شدن است؛ بوی نفت، بنزین، گوگرد در آن حوالی پیچیده است. بلدوزرها را می‌بینم که به جنگل زده‌اند. برآمدن شهری جدید را نظاره می‌کنم... درست از همان موقع توجهم به مسئله شهر جلب شد: به این فکر می‌کردم که حمله شهر به روستا و فضاهای سنتی به هیچ وجه تصادفی و محدود به این یا آن محله نیست، بلکه این شهری شدن، این صنعتی شدن پدیده‌ای جهان‌گستر است.»^۱ این جملات بخشی از سخنان هانری لوفور،^۲ پیشروی نظریه حق بر شهر است که در سال ۱۹۶۸ برای نخستین بار از ایده حق بر شهر سخن گفت. هنگامی که گسترش شهرنشینی روزهای آغازین خود را پشت سر می‌گذاشت، لوفور آینده‌ای را پیش‌بینی می‌کرد که حقوق شهر و شهرنشینان در چنگال توسعه اقتصادی و سیاست تضييع و تسخير می‌گردد. در دهه‌های اخیر روند رو به رشد شهرنشینی در جهان، منجر به ظهور کلان‌شهرهایی شده که زاویه جدیدی از موضوعات حقوقی و شهرسازی را گشوده است. اگرچه توسعه شهرها می‌تواند زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی گردد، اما در مقابل ظهور این پدیده مشکلاتی را نیز به همراه دارد.^۳ شهرها تأثیر بسیاری بر محیط زیست و ساکنان آن، نسل حاضر و نسل‌های آینده دارند. افزایش شهرنشینی تهدیدات جدیدی را برای سلامت عمومی، ایمنی و رفاه شهروندان ایجاد کرده است. ازدحام، آلودگی، فقر، بیماری و جرم نتیجه گسترش سریع و برنامه‌ریزی نشده شهرها است و آن‌ها را در عین حال که مکان‌هایی حیاتی محسوب می‌شوند به مرکز انبوهی از مشکلات بدل کرده است.^۴ شهرهای مترقی بر مبنای معیارهای زیست‌محیطی بنا شده‌اند. شهر عدالت‌محور و قانون‌مدار می‌تواند بازتاب حقوق بنیادین

۱. آنری لوفور و دیگران، فلسفه، سیاست، شهر (۱)، ترجمه ایمان واقفی و دیگران (مشهد: کتابکده کسری، ۱۳۹۸)

ص ۱۲.

2. Henri Lefebvre.

۳. مجید غمامی، مجموعه شهری تهران؛ گزیده مطالعات طرح راهبردی توسعه کالبدی (تهران: مرکز مطالعات و

تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳) ص ۹.

4. Hussin Shamsuddin, "Safe City Concept and Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) for Urban Sustainability in Malaysian Cities", American Transactions on Engineering & Applied Sciences, Vol. 2, No. 3, (2013), at 224.

بشر باشد. حقوق بشر تنها محدود به حقوقی که در سال ۱۹۴۸ در اعلامیه جهانی حقوق بشر درج شده‌اند، نیست. امروزه با گسترش شهرها و تمایل افراد به شهرنشینی حق جدیدی به نام حق بر شهر در حال شکل‌گیری است که ناشناخته مانده است. از آنجایی که از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر بیش از ۶۰ سال می‌گذرد کتب و مقالات بسیاری به زبان‌های مختلف در خصوص حقوق بشر نگاشته شده است.

اکثر تألیفات به بیان حقوق بشر شناخته شده در اعلامیه محدود گشته‌اند و اهمیت حق بر شهر مورد توجه قرار نگرفته است. مهندسين و جامعه‌شناسان پیشگامان شناسایی حق بر شهر در ایران هستند اما در میان حقوقدانان این حق که ریشه حقوق بشری دارد، مغفول مانده است. در اسناد بین‌المللی معیارهایی در خصوص حق بر شهر وجود دارد. برنامه اسکان بشر ملل متحد و یونسکو تلاش‌هایی برای مفهوم‌سازی حق بر شهر انجام داده‌اند.

تصویب منشور اروپایی حفاظت از حقوق بشر در شهر در سال ۲۰۰۰، اساسنامه شهر در برزیل در سال ۲۰۰۱، منشور جهانی حق بر شهر در سال ۲۰۰۴، منشور حقوق و مسئولیت‌های مونترآل در سال ۲۰۰۶ و منشور حق بر شهر مکزیکوسیتی در سال ۲۰۱۰ نیز نمونه‌هایی از اسناد بین‌المللی در زمینه حق بر شهر می‌باشند که در آن‌ها به حقوق شهروندان و مسئولیت دولت در شهر پرداخته شده است. اسناد حقوق بشر بین‌المللی و داخلی کشورها، تحت عناوین حق حیات، حق بر توسعه و یا حق بر زندگی شایسته، این حق را مورد شناسایی قرار داده‌اند. این حق تکالیف ایجابی و سلبی متعددی را بر نهادهای دولتی و عمومی جهت حفاظت از حقوق شهروندان تحمیل می‌کند. مفهوم حق بر شهر در حقوق ما اگر نگوییم ناشناخته، بلکه کمتر شناخته شده است. آغاز سخن به بیان محدوده‌ی اعمال این حق، یعنی شهر اختصاص داده شده است و سپس با تعاریفی که از حق بر شهر ارائه می‌گردد، اهمیت آن نمایان خواهد شد.

۱. مفهوم شهر

شهرها از کنار هم گذاشتن و پیوستن کوچه‌ها و خیابان‌ها و فروشگاه‌ها به وجود نمی‌آیند، شهرها فقط مکانی برای رفت و آمد و رسیدن از جایی به جایی دیگر نیستند و شهرها تنها مکانی برای زیستن و تجمع انسان‌ها هم نیستند. شهرها موجودیتی زنده، حیات‌بخش، فعال و زاینده‌ی نیازهای اجتماعی انسان‌ها هستند و بدیهی است که هرآنچه در شهر شکل

می‌گیرد، ساخته می‌شود و جریان می‌یابد بر تجلی خواسته‌های انسانی است.^۱ ما در جهان شهری شده‌ای زندگی می‌کنیم؛ علی‌رغم قدمت ظهور شهرها و زندگی شهری، هیچ دو شهری عیناً مشابه هم نیستند. شهرها بر اساس مجموعه متنوعی از فرایندها طرح‌ریزی می‌شوند که به عواملی مانند اندازه، ماهیت فعالیت‌های اقتصادی، ترکیب گروه‌های اجتماعی و رابطه آن با سایر شهرها و موقعیت آن بستگی دارند.^۲

توافق کردن بر معنی یکسان از شهر بسیار دشوار است. شهرها از نگاه شهرسازی، کانون‌هایی هستند که در آنها آدمی به تصرف و استفاده از کره خاکی دست یافته است که هم بر نواحی اطراف خود تاثیر می‌گذارند و هم از آن متأثر می‌شوند، همچنین نمودار احتیاجات اقتصادی و اجتماعی آدمی هستند و بر اساس این نیازها، گسترش می‌یابند.^۳ جامعه‌شناسان از زاویه دیگری به شهر نگاه می‌کنند. به عقیده آنان، شهر منطقه جغرافیایی است که دارای جمعیت مشخصی بوده و تراکم جمعیت در آن وجود داشته و افراد در آن به امور غیرکشاورزی اشتغال دارند. چنین منطقه‌ای عمده‌تاً دارای شهرداری است. شهر را می‌توان از نگاه تاریخی و بدون توجه به ملاک جمعیتی و بر اساس بلوغ فکری انسان تعریف کرد. شهر جایی است که تمدن بر توحش چیره گشته و روابط انسان‌ها نه بر مبنای آزادی طبیعی^۴ که بر اساس آزادی مدنی^۵ شکل می‌گیرد.^۶ از نظر قانون تقسیمات کشوری، «شهر محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل، دارای سیمایی با ویژگی‌های خاص خود بوده به طوری که اکثریت ساکنان دائمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیت‌های اداری اشتغال داشته و در زمینه خدمات شهری از

۱. لوییز مامفورد، فرهنگ شهرها، عارف اقوامی مقدم (تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۵) ص ۱۱.

۲. جین مارک، شهرها و مصرف، ابوالفضل مشکینی؛ نصرالدین یاس زاده مقدم و اشرف راضی (تهران: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، ۱۳۹۱) صص ۱۸ و ۱۴.

۳. غلامرضا کامیار، شهر در پرتو رویه قضایی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۵) ص ۲۵.

۴. آزادی طبیعی: انسان هر کاری را که مایل است انجام می‌دهد.

۵. آزادی مدنی: انسان می‌تواند هر کاری را که مغایر قانون نباشد، انجام دهد.

۶. همان.

خود کفایی نسبی برخوردار و کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه جذب و نفوذ پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت باشد.^۱

منشور مونترال که در زمینه حق بر شهر تدوین شده است، شهر را به معنای «سرزمین و فضای زندگی می‌داند که در آن ارزش‌های کرامت انسانی، تحمل و بردباری، صلح، برابری میان تمام شهروندان گسترش می‌یابد.»^۲ در منشور جهانی حق بر شهر، عنوان شهر به هر شهر بزرگ، کوچک، شهرستان، مرکز استان، حومه، سکونتگاه یا نظایر آن اطلاق می‌گردد که به عنوان واحدی محلی با شهرداری یا کلان‌شهر سازماندهی شده است. این تعریف از شهر شامل فضای شهری، روستایی یا نیمه روستایی می‌شود. شهر به عنوان فضای عمومی شامل تمام مؤسسات و بازیگرانی است که در مدیریت آن مداخله می‌کنند؛ مقامات دولتی، دستگاه‌های قانون‌گذاری و قضایی، نهادهای مشارکت اجتماعی، جنبش‌ها و سازمان‌های اجتماعی و جامعه به صورت کلی از این جمله هستند.^۳

با تعاریفی که از شهر بیان شد، مشخص می‌گردد که دایره شمول حق بر شهر تنها محدود به مناطق شهری نمی‌گردد و بر تمامی شهرها و زیست‌گاه‌های انسانی از کلان‌شهرهای بزرگ تا شهرک‌ها و روستاها را در برمی‌گیرد؛ اعم از آنکه بر اساس قوانین داخلی کشورها آن منطقه شهر محسوب می‌گردد یا نه.

۲. پیشینه حق بر شهر

مفهوم حق بر شهر^۴ اولین بار توسط جامعه‌شناس و فیلسوف فرانسوی، هنری لوفور در سال ۱۹۶۸ مطرح گردید. در آن زمان، لوفور استاد جامعه‌شناسی شهری در دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه نانتر^۵ بود؛ جایی که جنبش‌های می ۱۹۶۸ آغاز گردید. برخی بر این باورند که عقاید لوفور بر جنبش می ۱۹۶۸ در فرانسه تأثیر گذاشته است و به نوعی نظریه حق بر شهر وی زمینه‌ساز این جنبش گردیده است.^۶ لوفور در کتاب خود به شرح

۱. ماده ۴ قانون تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲.

2. The Montréal Charter of Rights and Responsibilities, 2006, Article 1.
 3. World Charter for the Right to the City, Social Forum of the Americas - Quito - July 2004, World Urban Forum - Barcelona - September 2004, Article I, part 4.
 4. The Right to The City.
 5. Nanterre University.
 6. Ana Ugranyes et el, *Cities for All: Proposals and Experiences toward the Right to the City* (Chile: Habitat International Coalition (HIC), 2010) at 14.

تأثیر منفی اقتصاد سرمایه‌داری بر شهرها می‌پردازد که شهر را تبدیل به کالایی کرده است که فقط برای انباشت سرمایه بکار می‌رود. لوفور برای معکوس ساختن این پدیده، پیشنهاد می‌دهد که ساکنان شهر خواستار کنترل بر ساخت فضای شهری شوند. مواجهه با تأثیرات نشأت گرفته از نئولیبرالیسم مانند خصوصی‌سازی فضای شهری، استفاده تجاری از شهرها و برتری مناطق تجاری و صنعتی، لوفور را بر آن داشت تا مفهوم سیاسی جدیدی به نام «حق بر شهر» را ارائه دهد؛ شهری که با منافع سرمایه‌داری احاطه شده است، دیگر متعلق به مردم نیست. لوفور از نجات انسان‌ها بعنوان بازیگر عمده شهری حمایت می‌کند. حق بر شهر، بر بازگرداندن شهر به ساکنان آن، ایجاد کیفیت عالی زندگی برای همه و ساخت شهر به عنوان نقطه تلاقی برای زندگی جمعی تمرکز می‌کند.^۱ وجه مشترکی که در سراسر نوشته‌های لوفور درباره شهر جریان دارد، همانا نقدی بر شهر معاصر است که از قرن نوزدهم با توسعه سرمایه‌داری صنعتی و افزایش دولت - ملت‌های مدرن روبه زوال رفته است. در قرن بیستم همانطور که سرمایه‌داری تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی را تحت سلطه خود درآورده بود، جامعه به سوی جامعه‌ای بوروکراتیک و مصرف‌سازمان‌یافته سوق داده می‌شد. نه تنها مصرف بلکه فضاهای اجتماع نیز تحت کنترل بود. تلاش‌های لوفور بعنوان طرحی سیاسی برای نجات فرد از ظلم و ستم محسوب می‌گردد.^۲

در دهه ۱۹۹۰ اندیشه‌های لوفور توسط محققان دیگری همچون دیوید هاروی که اهمیت اندیشه لوفور را در شهرهای امروزی بیان می‌کرد، مورد بررسی قرار گرفت. هاروی یکی از مهم‌ترین صاحب‌نظران ایده حق بر شهر است. وی تأثیرپذیری بسیاری از لوفور داشته است. هاروی دو ایده تولید فضا و حق بر شهر لوفور را در مطالعات خود بسط می‌دهد. هرچند شهر دهه ۱۹۶۰ و شهر امروزی کاملاً متفاوت هستند؛ هر دو

1. Charlotte Mathivet, "The Right to the City: Keys to Understanding the Proposal for "Another City is Possible", (2010), op.cit. at 21.

2. Mustafa Dikeç, "Justice and the Spatial Imagination", Environment and Planning A, Vol. 33, (2001), at 1789.

محققان، لوفور و هاروی، در آرای خود نیاز به کنترل دموکراتیک و مشارکت گسترده‌تر در شهرها را بیان کرده‌اند.^۱

مردم بین سال‌های نگارش حق بر شهر تا ابتدای قرن بیست و یکم، بارها در جنبش‌های شهری، «حق بر شهر» را بی‌آنکه نام آن را بدانند، فریاد کردند. برخی از جنبش‌هایی که مستقیماً به «حق بر شهر» اشاره داشتند به این قرار هستند: مبارزه برای حق بر شهر در دوربان آفریقای جنوبی در اوایل قرن ۲۱، جنبش حاشیه‌نشین‌ها در بمبئی از سال ۱۹۸۶، جنبش ویلا لوس کوندروس^۲ در شیلی علیه سلب مالکیت، جنبش بی‌خانمان‌ها در ماردلیلاتا در آرژانتین برای حق برخورداری از مسکن، جنبش بی‌خانمان‌های اوزاکا در ژاپن و جنبش حق بر شهر در آفریقا با نام «ساختن شهر برای مردم و به دست مردم». در سال‌های بعد با پررنگ شدن جنبش‌های اجتماعی شهری و همچنین جنبش‌های ضد سرمایه‌داری و طرفدار محیط زیست مانند جنبش سیاتل و جنبش‌های شهری رادیکال همچون «خیابان‌ها را پس بگیرید»^۳ تلاش زیادی شد تا این مفهوم از شکل نظری و فلسفی به عرصه واقعی زندگی منتقل شود.^۴

۳. تعریف حق بر شهر

شهرها باید مکان‌هایی برای تحقق تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشند که کرامت و رفاه جمعی همه مردم را در برابری و عدالت و همچنین احترام کامل برای تولید اجتماعی سکونت‌گاه تضمین نماید. همه افراد حق یافتن شرایط لازم برای توسعه زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود در شهر را دارد.^۵ حق بر شهر بیان‌کننده امکان ایجاد شهری است که مردم بتوانند در آن با کرامت زندگی کنند؛ جایی که مردم بعنوان بخشی از ساختار آن شناخته می‌شوند و جایی که امکان توزیع یکسان همه منابع همانند کار، سلامتی، آموزش و مسکن و مشارکت و دسترسی به اطلاعات وجود دارد.

1. Marina Faetanini, *Urban Policies and the Right to the City in India, Rights, Responsibilities and Citizenship* (India: The United Nation Educational, Scientific and Cultural Organization, 2011) at 2.

2. Villa los Condors.

3. Reclaim the Streets.

۴. محسن حبیبی و مریم امیری، «حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه هست و آنچه باید باشد»،

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، پاییز و زمستان، دوره ۵، شماره ۲، (۱۳۹۴)، ص ۱۹.

5. World Charter for the Right to the City, Article I, part 2.1.

حق بر شهر حق همگان است، به منظور خلق شهرهایی که با نیازهای بشری مواجه می‌شوند. همه مردم باید برای ساخت شهرهایی که خواستار آن هستند، حقوق مساوی داشته باشند.^۱ حق بر شهر به معنای حق زندگی در جامعه‌ای است که همه افراد در انجام آنچه که به آن تمایل دارند، به طور یکسان و مشابه آزاد هستند و برای انجام آن نیز حمایت می‌شوند.^۲

حقوقی که بر مبنای حق بر شهر مورد درخواست واقع می‌شوند شامل حق مسکن، آب آشامیدنی سالم، محیط زیست سالم و پایدار، دسترسی به طبیعت، مشارکت در تصمیم‌گیری، حق کار، تحصیل، سرگرمی و تفریح، سلامتی، حق بیان و تجمع هستند که همه در قالب حق بر شهر به طور واحد جمع شده‌اند.^۳ حق بر شهر درخواستی اخلاقی^۴ است که بر اصول بنیادین عدالت پایه‌گذاری شده است. منظور از حق، حقی چندجانبه است. تنها شامل حق بر فضای عمومی یا حق بر اطلاعات یا خدمات نمی‌شود، بلکه حق بر تمامیت است که در آن هریک از بخش‌ها جزئی از یک کل واحد را تشکیل می‌دهند.^۵ حق بر شهر به معنای اندیشیدن دوباره به شهرها بر مبنای اصول عدالت اجتماعی، برابری، دموکراسی و پایداری است. این حق بشری با اجرای موثر تمامی حقوق بشر بین‌المللی و اهداف توسعه پایدار به دنبال راه‌حلی در موارد مواجهه با مشکلات شهری بوده است. بر این مبنای حق بر شهر حقوق تمام ساکنان (حال و آینده، موقت و دائمی) برای استفاده، تصرف، تولید، اداره و لذت بردن از شهرها و روستاهای امن و پایدار است. بر مبنای این تعریف، حق بر شهر تمامی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی را در برمی‌گیرد که در کنوانسیون‌ها، پیمان‌ها و معاهدات حقوق بشر بین‌المللی موجود پیش‌بینی شده‌اند.

حق بر شهر «غیرقابل تقسیم»^۶ است، به این معنا است که تحقق کامل و موثر حق بر شهر نیازمند احترام، حفاظت و اجرای تمامی حقوق بشر بدون هیچ‌گونه استثنا و همچنین

1. Charlotte Mathivet, op. cit. at 21.

2. Peter Marcuse, "Rights in Cities and the Right to the City", Cities for All: Proposals and Experiences toward the Right to the City, (Chile: Habitat International Coalition (HIC), Place of Publication: Publisher, 2010) at 88.

3. Ibid. at 88-89.

4. A Moral Claim.

5. Ibid. at 42.

6. Indivisible.

اجرای اصول و حقوقی می‌باشد که حق بر شهر پیش‌بینی کرده است. این حق، یک حق «جمعی و توزیعی»^۱ است. بعنوان یک حق جمعی، متعلق به تمام ساکنان بر مبنای منافع مشترک آنان برای مشارکت در ایجاد و بهره‌برداری از محیط زندگی خود است و بعنوان یک حق توزیعی، متعلق به نسل‌های حال و آینده است.^۲ این حقوق باید برای همه افراد که به‌طور دائم یا موقتی در شهرها زندگی می‌کنند بدون هیچ شکلی از تبعیض بر اساس وضعیت سنی، جنسیتی، گرایش‌های جنسی، زبانی، مذهبی، عقیده‌ای، منشأ نژادی یا قومی، سطح درآمدی، شهروندی یا مهاجر تضمین شده باشد. شهرها خود را متعهد می‌کنند تا سیاست‌های عمومی را برای فراهم کردن فرصت‌های برابر برای زنان در شهرها اتخاذ نمایند که در کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اجلاس‌های محیط زیست (ریو ۱۹۹۲)، کنفرانس جهانی زنان (۱۹۹۵) و دومین برنامه اسکان بشر ملل متحد (استانبول ۱۹۹۶) بیان شده‌اند. منابعی از بودجه دولتی باید برای تحقق این سیاست‌ها در عمل و ایجاد ابزار و شاخص‌هایی برای نظارت بر دستیابی به این اهداف در طول زمان کنار گذاشته شود.^۳

گروه‌ها و افراد آسیب‌پذیر حق بر بهره‌مندی از اقدامات ویژه برای حفاظت، یکپارچگی، توزیع منابع، دسترسی به خدمات اساسی و حفاظت در برابر تبعیض را دارند. در منشور جهانی حق بر شهر، گروه‌های آسیب‌پذیر ذکر گردیده‌اند: افراد و گروه‌هایی که در وضعیت فقر یا در موقعیت‌هایی که از لحاظ محیط زیستی خطرناک هستند، زندگی می‌کنند (در معرض تهدید بیماری‌ها قرار دارند)، قربانیان خشونت، افراد ناتوان جسمی، مهاجران اجباری، پناهندگان و تمام گروه‌های دیگر که مطابق با شرایط هر شهر، در یک وضعیت نامساعد با توجه به بقیه ساکنان هستند. در این گروه‌ها در ابتدا باید به سالمندان، زنان (به خصوص زنان سرپرست خانوار) و کودکان توجه شود. شهرها مسئول

1. Collective and Diffuse.

2. Global Platform for the Right to the City, "The Right to the City Building another Possible World", Pp. 11&12. Available at: <http://www.Righttothecityplatform.org.br/book-the-right-to-the-city-building-another-possible-world/> last seen: 2018/10/20.

3. Renato Cymblista, *The Challenges of the Democratic Management in Brazil: The Right to the City* (Brazil: Ford Foundation, 2008) at 49.

حفظ حقوق و آزادی این گروه از افراد و ایجاد فضایی جهت مشارکت آنان در شهر می‌باشند.^۱

۱-۳. تعریف حق بر شهر از دیدگاه لوفور

بر اساس نظریات لوفور، حق بر شهر شامل دو حق اساسی است: حق تصاحب (اختصاص)^۲ و حق مشارکت.^۳ حق تصاحب فضای شهری به معنای حق ساکنان بر استفاده تمام و کمال از فضای شهری در زندگی روزمره‌شان است. همچنین تصاحب شامل حق زندگی کردن، بازی کردن، کار کردن، تصرف و استفاده فیزیکی از فضای شهری می‌شود. حق داشتن مسکن یکی از اشکال تصاحب شهر است.^۴ حق مشارکت ناظر بر این است که شهروندان باید نقشی اساسی و محوری در هر تصمیمی - در هر سطحی از تصمیم‌گیری که باشد - که منجر به تولید فضای شهری شود، ایفا کنند.^۵ همه شهروندان حق مشارکت مستقیم یا توسط نماینده در جزئیات، تعریف، اجرا و توزیع مالی و مدیریت سیاست‌های عمومی و بودجه شهری را به منظور افزایش شفافیت، کارایی و استقلال ادارات عمومی، محلی و سازمان‌های مردمی دارند.^۶ همه شهروندان حق مشارکت در برنامه‌ریزی، وضع، نظارت، مدیریت، بازسازی و بهبود شهرها دارند. فقدان سازوکارها و نهادهایی که مشارکت شهروندان را در مدیریت شهر تضمین کند، نقض آشکار حق بر شهر است.^۷ این حق، نه تنها بر مشارکت شهروندان در زندگی اجتماعی شهری تأکید می‌کند بلکه از منظر این حق، مشارکت در زندگی سیاسی، مدیریت و اداره کردن شهر از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. حق بر شهر متضمن حقی نیست که از بالا به افراد اعطا شود و بین آنان توزیع گردد، بلکه حقی برای تغییر زندگی سیاسی شهر است.^۸ حق

1. World Charter for the Right to the City, 2004, Article II, Part.4.

2. Appropriation.

3. Participation.

4. Don Mitchell, *The Rights to the City: Social Justice and the Fight for Public Space* (New York: The Guilford Press, 2003) at 19.

5. Tovi Fonster, Tovi, "The Right to the City and Gendered Everyday Life", *Cities for All: Proposals and Experiences toward the Right to the City* (Chile: Habitat International Coalition (HIC), 2010), at 65.

6. World Charter for the Right to the City, Article II, part 1.2.

7. Renato Cymblista, op. cit. at 49.

8. Mustafa Dikeç, op. cit. at 1790.

بر شهری که لوفور آغازگر آن بود جنبه‌های مختلفی از زندگی ساکنان شهر و افراد مختلفی را در برمی‌گیرد. زنان نیمی از ساکنان شهر هستند. ترس از استفاده از فضاها عمومی به خصوص خیابان‌ها، وسایل حمل و نقل عمومی و پارک‌های شهری امری است که مانع اعمال حق بسیاری از زنان بر شهر می‌شود. از نظر لوفور تغییر جامعه بدون تغییر فضای متناسب با آن بی‌معناست و روابط اجتماعی جدید، فضایی جدید را اقتضا می‌کند. بنابراین فضا در شهر صرفاً مانند ظرفی نیست که روابط اجتماعی و حیات افراد بدون تأثیرپذیری در آن جریان پیدا کند، بلکه فضای شهری خود شکل‌دهنده روابط آن‌ها و سبب غنی و یا فقیر شدن حیات می‌شود.^۱

۲-۳. تعریف حق بر شهر از دیدگاه دیوید هاروی

دیوید هاروی برای تعریف حق بر شهر از تعریف شهر «رابرت پارک»^۲ آغاز می‌کند. رابرت پارک، جامعه‌شناس شهری، شهر را اینگونه تعریف می‌کند: «شهر موفق‌ترین تلاش بشر است تا جهانی که در آن زندگی می‌کند را مطابق میل خود شکل دهد. اگر شهر جهانی باشد که انسان خلق کرده، در عین حال جهانی است که انسان محکوم است از این پس در آن زندگی کند. بنابراین انسان به‌طور غیرمستقیم و بدون داشتن درک درست از ماهیت کاری که انجام داده، با ساختن شهر خود را نیز بازآفرینی کرده است».^۳ به عقیده دیوید هاروی، حق بر شهر مفهومی فراتر از آزادی فردی برای دسترسی به منابع شهری است؛ حق بر شهر، حقی برای تغییر دادن خودمان به وسیله تغییر دادن شهر است. این حق یک حق مشترک است و برای اجرای آن به اعمال قدرت جمعی، برای تغییر شکل فرایند شهرسازی نیاز است. آزادی ایجاد و بازسازی شهرها^۴ و همچنین خودمان یکی از با ارزش‌ترین و در عین حال فراموش‌شده‌ترین حقوق بشر است.^۵ هاروی شهر را از رهگذر اقتصاد سیاسی به عنوان تجلی جذب مازاد سرمایه و ارزش اضافی می‌داند و به همین دلیل

۱. عبدالحسین کلانتری، مینو صدیقی کسمایی، «از مطالبه حق به شهر تا شکل‌گیری انقلاب شهری (شهر تهران، سال ۱۳۵۷)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، تابستان، سال هفتم، شماره ۲۳، (۱۳۹۶)، ص ۵۶.

2. Robert Ezra Park.

3. David Harvey, "The Right to the City", New Left Review, September-October, Vol. 53, (2008), at 23.

4. The Freedom to Make and Remake our Cities.

5. Ibid.

ارتباط نزدیکی میان توسعه سرمایه‌داری و توسعه شهر می‌بیند. توسعه شهر همواره شیوه سرمایه‌داری برای عبور از بحران‌های ذاتی آن بوده است. هاروی برخلاف لوفور بقای سرمایه‌داری را نه در تولید فضا که در سلب مالکیت فضا می‌بیند و از همین روی ایده حق بر شهر را در شهرهای امروز به طور روزافزونی از دست‌رفته می‌یابد.^۱

۴. رابطه حقوق شهروندی با حق بر شهر

برای بیان رابطه شهروندی با حق بر شهر، ابتدا لازم است واژه شهروندی را تعریف کنیم. از نظر تاریخی، شهروند عضو یک دولت-شهر است که از حق رأی بهره‌مند می‌باشد و در تصمیمات مهم اجتماعی و چیزی که امروز سیاست نامیده می‌شود، مشارکت می‌کند.^۲ در دانشنامه سیاسی، شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی به عهده دارد.^۳ در عقاید لوفور، عضویت در یک جامعه سیاسی از طریق شهروندی رسمی تعریف نمی‌شود؛ به بیان دیگر، علی‌رغم تفکری که عضویت دولت-ملت^۴ را اساس برخورداری از حقوق شهروندی تلقی می‌کند، حق بر شهر عضویت را مبتنی بر سکونت^۵ می‌داند. اشخاص ساکن در شهر از حق بر شهر بهره‌مند می‌شوند. در این مفهوم چهارچوب شهروندی مجدداً تنظیم می‌گردد. چنانکه حق بر شهر، ساکنان شهری و شهروندان را در کنار هم جمع می‌کند. زندگی روزمره محور اصلی حق بر شهر است؛ اشخاصی که کارهای روزانه خود را در شهر انجام می‌دهند، هم در شهر زندگی می‌کنند و هم فضای شهری را ایجاد می‌کنند، کسانی هستند که دارای حق بر شهر قانونی می‌باشند. در حق بر شهر، ساکنان شهری در تصمیمات چه داخل و چه خارج از قالب رسمی دولت مداخله می‌کنند؛ تصمیماتی همچون محل سرمایه‌گذاری ذخایر دولتی، محل ایجاد مشاغل جدید، محل راه‌اندازی سیستم حمل و نقل عمومی جدید یا مکان ایجاد خانه‌های نوساز و دیگر تصمیماتی که منجر به خلق فضاهای جدیدی در شهر می‌شوند. لذا تعداد تصمیماتی

1. Ibid. at 33.

۲. غلامرضا کامیار، حقوق شهری و شهرسازی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۶) ص ۴۱.

۳. همان، ص ۴۳.

4. Nation-state Membership.

5. Inhabitanace.

که ساکنان شهری در لوای حق بر شهر می‌توانند درصدد اتخاذ آنان برآیند، بسیار گسترده‌تر از تصمیماتی است که شهروندان می‌توانند تحت تأثیر حقوق شهروندی آن را کنترل کنند.^۱ بنابراین حق بر شهر یک مجموعه‌ای خاص از حقوق و تکالیف را بیان می‌دارد که با حقوق شهروندی که در حیطه حقوق و تکالیف سیاسی و مدنی تعریف می‌شود، متفاوت است.

۵. جایگاه حق بر شهر در میان نسل‌های حقوق بشر

حقوق بشر مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌ها است که اساس زندگی بشر را تشکیل داده است. این حوزه از حقوق با توجه به مقتضیات زمانی در هر برهه تاریخی به سه نسل تقسیم‌بندی شده که هر کدام بخشی از خواسته‌های بشر را تأمین می‌کند. در نتیجه روند تاریخی تحول حقوق بشر نسل‌های مختلف آن شکل گرفت و در هر دوره‌ای نسبت به برخی از حقوق بشر، توجه بیشتری صورت گرفت. نسل اول حقوق بشر یا حقوق مدنی و سیاسی شامل حقوقی است که بر اصالت فرد تأکید دارد. لازمه اعمال این حقا عدم مداخله دولت‌ها است و آن‌ها را وادار می‌سازند تا از دخالت در آزادی‌های فردی ممانعت ورزند و در برابر آن متعهد به پاسخگویی باشند. نسل دوم حقوق بشر تحت عنوان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تأکید بر اصالت جمع و نفع عمومی و استقرار برابری و عدالت اجتماعی، نظر بر مداخله دولت داشته است. این نسل از حقوق بشر به گونه‌ای هم تعهد به انجام و هم عدم انجام عمل است که جنبه ایجابی آن به معنای تلاش دولت برای ایجاد امکانات و زمینه‌های لازم جهت برخورداری شهروندان از حقوق و آزادی‌های خود می‌باشد.^۲ حقوق نسل سوم، «حقوق همبستگی» یا «حقوق جمعی»^۳ به معنای برابری و تساوی انبای بشر از اوایل قرن بیستم متولد شده و در دوران پس از تأسیس سازمان ملل متحد بالیدن گرفته است. اکنون نسل اول و دوم حقوق بشر به تنهایی نمی‌توانند زیست بهتر بشر را تضمین کنند. برای جبران نارسایی در حقوق بشر نسل‌های

1. Mark Purcell, "Citizenship and the Right to the Global City: Reimagining the Capitalist World order", International Journal of Urban and Regional Research, Vol. 27, No. 3, (2003), at 577-578.

۲. گودرز افتخار جهرمی، «حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار»، مجله تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان، شماره ۵۰، (۱۳۸۸)، ص ۱۳.

3. Collective/Group Rights.

اول و دوم، حقوق جدیدی ضروری است.^۱ نسل سوم حقوق بشر که دربرگیرنده حقوق جمعی می‌باشد، متناسب با اقتضائات اکنون و آینده بشر است. از اهداف نسل سوم حقوق بشر، تأمین شرایط مناسبی است که در آن تحقق اهداف نسل اول و دوم حقوق بشر امکانپذیر گردد. از این رو به نوعی مکمل حقوق مورد توجه دو نسل قبل است. نسل سوم حقوق بشر از ویژگی‌هایی برخوردار است که حق بر شهر نیز بر آن‌ها استوار شده است و از این منظر می‌توان حق بر شهر را در زمره این نسل از حقوق بشر دانست:

– ویژگی اساسی نسل سوم این است که این حقوق صرفاً با تلاش همه عوامل اجتماعی یعنی افراد، دولت‌ها، انجمن‌های عمومی و خصوصی و جامعه بین‌المللی، تحقق خواهند یافت.^۲ حق بر شهر نیز از جمله حقوقی است که نمی‌توان تحقق آن را تنها بر عهده دولت‌ها گذاشت. بر اساس منشور جهانی حق بر شهر، همه شهروندان حق مشارکت در برنامه‌ریزی، وضع، نظارت، مدیریت، بازسازی و بهبود شهرها دارند. فقدان سازوکارها و نهادهایی که مشارکت شهروندان را در مدیریت شهر تضمین کند، نقض آشکار حق بر شهر است.^۳

– حقوق همبستگی به بُعد جمعی زندگی بشر توجه دارد. ارزش‌هایی که با این حقوق مورد توجه قرار می‌گیرند به فرد خاصی تعلق ندارند، بلکه خیرها و منافع هستند که همچون صلح، توسعه و محیط زیست سالم قابل تقسیم به خیرهای فردی نیستند و همه باید به طور جمعی از آن منتفع گردند.^۴ بر اساس منشور جهانی حق بر شهر، همه ساکنان شهر باید از منابع شهری بهره‌مند شوند. عبارت دیگر شهر برای تحقق پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها، منافع جامعه شهری را از طریق تحقق معیارهای توزیع عادلانه، اقتصادی، احترام به فرهنگ و پایداری زیست‌محیطی و تضمین رفاه همه شهروندان در وضعیت هماهنگ با طبیعت، برای نسل‌های امروز و آینده به صورت یک کل در نظر می‌گیرد.^۵ فضاها و اموال عمومی و خصوصی متعلق به شهر و شهروندان باید به گونه‌ای

۱. محمدعلی صلح‌چی و رامین درگاهی، «بررسی ماهیت حقوق همبستگی: حقوق جمعی یا مردمی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، زمستان، سال پانزدهم، شماره ۱۴، (۱۳۹۲)، ص ۱۴۷.

۲. همان.

3. Renato Cymblista, op. cit. at 49.

۴. باقر انصاری، «مبانی حقوق همبستگی»، فصلنامه حقوق، زمستان، دوره ۴۱، شماره ۴، (۱۳۹۰)، ص ۳۲.

5. World Charter for the Right to the City, Article II, part 2.1.

استفاده شوند که منافع اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی در اولویت باشد.^۱ درآمدهای فوق‌العاده‌ای که از طریق سرمایه‌گذاری‌های عمومی به دست می‌آید باید به نفع برنامه‌های اجتماعی و تحقق حق مسکن و زندگی کرامت‌مندانه برای بخش‌هایی که در موقعیت‌های خطرناک هستند، صرف گردد.^۲ در تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی، منافع جمعی فرهنگی و اجتماعی می‌بایست بر حق مالکیت فردی ارجحیت داشته باشد.^۳

– همبستگی از یک سو محدودکننده آزادی است؛ چون بر خلاف میل و آزادی اشخاص، تعهداتی را بر عهده آن‌ها قرار می‌دهد و از سوی دیگر تقویت‌کننده برابری است، چون زمینه را برای رفع نابرابری‌ها هموار می‌کند.^۴ حق بر شهر نیز بعنوان یک حق بشری تعهداتی را برای ساکنان شهر و دولت‌ها در نظر دارد و همچنین مبتنی بر برابری و عدم تبعیض است. به این معنا که هر انسانی صرف‌نظر از ملیت، قومیت، فرهنگ و جنسیت تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است.^۵ همچنین تساوی به معنی مشارکت همه ارکان جامعه مدنی است که منجر به افزایش سطح رفاه عموم می‌گردد.^۶ شهرها از طریق سیاست تبعیض مثبت به نفع گروه‌های آسیب‌پذیر؛ می‌بایست موانع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را بردارند، موانعی که در حقیقت آزادی و برابری شهروندان را محدود می‌کنند و مانع رشد کامل شخص و مشارکت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر وی در شهر می‌شوند.^۷

بنابر مراتب فوق، حق بر شهر از جمله حقوق نسل سوم است که مبانی آن را حقوق نسل اول و دوم همچون حق حیات، حق مسکن مناسب، حق بر محیط زیست سالم، حق سلامتی و حق بر رفت و آمد آسان و ایمن تشکیل می‌دهد که تحقق آن نیازمند همکاری و تلاش دولت، نهادهای خصوصی و شهروندان است.

1. Ibid. part 2.2.

2. Ibid. part 2.5.

3. Ibid. part 2.4.

۴. باقر انصاری، همان، ص ۳۴.

۵. لادن رهبری، محمود شارع‌پور، «جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، بهار، دوره ۱۴، شماره ۱، (۱۳۹۳)، ص ۱۸۸.

۶. محمد راسخ، محمد، فائزه عامری، «رویکرد نظری به مفهوم حق نسل سوم»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، بهار و زمستان، سال پانزدهم، شماره ۳۹، (۱۳۹۲)، صص ۱۹۳-۱۶۹.

7. World Charter for the Right to the City, Article II, Part.4.

۶. اسناد متضمن حق بر شهر در عرصه بین‌الملل

حق بر شهر بخشی از مفهوم گسترده حقوق بشر است که نه تنها ارتباط نزدیکی با اعلامیه جهانی سازمان ملل متحد دارد، بلکه حقوقی فراتر از آن را نیز مدنظر قرار می‌دهد. برنامه اسکان بشر ملل متحد^۱ و یونسکو تلاش کرده‌اند که حق بر شهر را بعنوان بخشی از یک برنامه گسترده‌تر در زمینه حقوق بشر مفهوم‌سازی کنند. هدف آنان سوق سیاست‌های شهری به گسترش عدالت و پایداری و همچنین توسعه اسنادی است که حق بر شهر را بیان داشته‌اند. برخی دولت‌ها در سطح منطقه‌ای، ملی و محلی اسناد حقوقی تصویب کردند تا حقوق بشر را در مفهوم شهری وارد کنند. پیشرفته‌ترین آن‌ها در سطح بین‌المللی منشور اروپایی برای حفاظت حقوق بشر در شهر بود که توسط بیش از ۴۰۰ شهر امضا گردید. همچنین اساسنامه شهر برزیل در جولای ۲۰۰۱ تصویب شد. در قلمرو محلی، «منشور مونترال» و «منشور مکزیکوسیتی» و در سال‌های اخیر «اساسنامه اکوادور» و «بولیویا» درباره حق بر شهر تنظیم گردیدند.^۲ شبکه‌ای از سازمان‌های عمومی در ایالات متحده به این منظور در سال ۲۰۰۷ تشکیل شدند. دانشگاهیان نیز جذب این نظریه گردیدند. کنفرانس‌های چندجانبه‌ای حق بر شهر را در تورنتو، رم و برلین، سوئد و دیگر نقاط بررسی کردند.^۳ همچنین این حق در پیمان‌های جهانی، قوانین ملی و منشور شهرها در سراسر جهان تأیید شده است. در ذیل برخی از مهم‌ترین اسنادی که در زمینه حق بر شهر تدوین گردیده‌اند و اجرا می‌شوند، معرفی می‌گردد.

۱-۶. منشور اروپایی حفاظت از حقوق بشر در شهر

منشور اروپایی حفاظت از حقوق بشر در شهر،^۴ حقوق اساسی ساکنان شهری و اصول اساسی که برای حاکمیت حقوق بشر در شهر لازم است را گرد آورده است. شهر سنت دنیس فرانسه در سال ۲۰۰۰، اولین شهری است که این منشور را به تصویب رساند و تاکنون بیش از ۳۵۰ شهر اروپایی آن را امضا کرده‌اند. ریشه‌های این منشور را می‌توان از کنفرانسی در بارسلونا که به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال

1. UN-Habitat.

2. Charlotte Mathivet, op. cit, at 22-23.

3. Mark Purcell, "Possible Worlds: Henri Lefebvre and the Right to the City", Journal of Urban Affairs, Vol. 36, No.1, (2013), at 141.

4. The European Charter for Human Rights in the Cities, 2000.

۱۹۹۸ برگزار شد، یافت. پس از آن در کنفرانس دوم که در سنت‌دنیس برگزار شد، بیش از ۷۰ شهر آن را به تصویب رساندند. این کنفرانس‌ها هر دو سال یکبار برگزار می‌شود و فرصتی برای به اشتراک‌گذاری مشکلات و خلاقیت‌های اجرایی این منشور است.

۲-۶. اساسنامه شهر در برزیل

یکی از اولین اقدامات انجام شده برای قاعده‌مند ساختن حق بر شهر، در برزیل آغاز گردید؛ جایی که سازمان‌ها برای حمایت از حق بر شهر از مناطق فقیرنشین شهرهای بزرگ شروع کردند. فعالیت‌های آنان موجب شد تا قانون فدرال که اغلب بعنوان «اساسنامه شهر»^۱ شناخته می‌شود، تنظیم گردد که به طور جامع توسعه شهری را قاعده‌مند کرده است. در واقع اساسنامه شهر، قانون فدرال برزیلی است که مواد ۱۸۲ و ۱۸۳ قانون اساسی فدرال سال ۱۹۸۸ را نظام‌مند می‌کند. ماده ۱۸۲ قانون اساسی فدرال بیان می‌کند که سیاست‌های شهری باید عملکرد اجتماعی شهر و توسعه شهروندان خود را تضمین کند. همچنین برنامه جامع شهری^۲ ابزار اصلی و اولیه برای سازماندهی زمین شهری است. طرح جامع باید تعریف کند که چه نوع استفاده‌ای و چه نوع تصرفی از هر بخش از زمین شهر شود تا اطمینان حاصل گردد که تمام املاک نقش اجتماعی خود را ایفا می‌کنند. ماده ۱۸۳ قانون اساسی فدرال به بیان حق مالکیت اموال بوسیله ساکنان یک شهر که از آن بعنوان خانه خود یا خانواده‌شان استفاده می‌کنند، می‌پردازد. این اقدامات حق مالکیت را برای شخص تضمین می‌کند.^۳

اساسنامه شهر برزیل متضمن سه اصل است: ۱- مفهوم عملکرد اجتماعی شهر و اموال؛ ۲- توزیع عادلانه هزینه‌ها و منافع شهری و ۳- مدیریت دموکراتیک شهر.^۴ یکی از عناصر این اساسنامه، به رسمیت شناختن سکونت‌گاه‌های غیررسمی در شهرهای برزیلی است که در طول زمان آن‌ها را در بخش‌های اقتصادی و دولتی رسمی وارد کرد. همچنین این قانون مشخص کرد که توسعه زمین شهری (چه در بخش رسمی یا در

1. City Statute.

2. Municipal Master Plan.

3. Furbino Bretas Barros et al, "Commentary on the City Statute", Cited in: Marcio Fortes, Billy Cobbett, *The City Statute of Brazil a Commentary*, 1st Edition, (Brazil: Cities Alliance and Ministry of Cities, 2010), at 91.

4. Evaniza Rodrigues et al, "Popular Movements and the City Statute", op.cit. at 25.

محلات فقیرنشین) نه تنها باید بوسیله ارزش مبادله‌ای آن بلکه توسط ارزش استفاده اجتماعی از زمین و مناطق اطراف آن تعیین شود. دولت برزیل باید صریحا شناسایی کند که فضای شهری علاوه بر کارکرد پیچیده اجتماعی، کارکرد اقتصادی نیز دارد؛ البته این به معنای اتخاذ اقدامات و رای حقوق مالکانه نیست، بلکه صرفا در جستجوی تعادلی میان منافع مالکیت خصوصی با نیازهای اجتماعی ساکنان شهر است. این قانون بیان می‌کند که حقوق مالکیت مهم‌تر از نگرانی‌های دیگر نیست. این حق هنوز هم به صورتی پایدار و محکم در جای خود پابرجاست، اما باید با ارزش مصرف اجتماعی همسو و هماهنگ باشد و سهم کافی نیازهای اجتماعی را تأمین کند.^۱

۳-۶. منشور جهانی حق بر شهر

معروف‌ترین سند جهانی در زمینه حق بر شهر و مهم‌ترین اقدام در ایجاد آن، منشوری جهانی با عنوان «منشور جهانی حق بر شهر»^۲ است که نسخه نهایی آن در سال ۲۰۰۵ تدوین شده است. در راستای این منشور، اقداماتی باید از جانب جامعه مدنی، محلی و دولت‌های داخلی، نمایندگان و سازمان‌های بین‌المللی اتخاذ شود تا همه مردم با کرامت در شهرها زندگی کنند. نقطه آغازین این فرآیند بازمی‌گردد به اقدامات مقدماتی «دومین کنفرانس ملل متحد در زمینه محیط زیست و توسعه»^۳ که در ریودوژانیرو برزیل در سال ۱۹۹۲ برگزار شد و به عنوان «اجلاس زمین»^۴ شناخته شده است. اجلاس ملی اصلاح شهر،^۵ ائتلاف بین‌المللی هیئات^۶ و جبهه قاره‌ای سازمان‌های کمونی (عمومی)^۷ نیروهای خود را برای پیش‌نویس و امضای معاهده در خصوص اسکان در شهر^۸ با عنوان «برای شهرها، شهرک‌ها و روستاهای عادلانه، دموکراتیک و پایدار»^۹ متحد کردند. در همان سال ائتلاف بین‌المللی هیئات، بعنوان بخشی از اقدامات مقدماتی اجلاس زمین، اجلاس

1. Mark Purcell, op. cit. at 142-143.

2. The World Charter on the Right to the City, 2004.

3. II United Nations Conference on Environment and Development, Held in Rio de Janeiro, Brazil, in 1992. A/CONF.151/26 (Vol. I, 12 August 1992).

4. Earth Summit.

5. The National Forum for Urban Reform (FNUR).

6. Habitat International Coalition (HIC).

7. the Continental Front of Communal Organizations (FCOC).

8. Urbanization.

9. Just, Democratic and Sustainable Cities, Towns and Villages.

بین‌المللی درباره محیط زیست، فقر و حق بر شهر را در تونس برنامه‌ریزی کرد. چند سال بعد در اکتبر ۱۹۹۵ یونسکو نیز مشارکت خود را در حقوق شهری با عنوان «به سوی شهر همبستگی و شهروندی»^۱ آغاز کرد. در همان سال سازمان‌های برزیلی منشور حقوق بشر در شهر را ارتقا دادند. دیگر رویداد برجسته‌ای که منجر به ایجاد منشور جهانی حق بر شهر گردید، «اولین مجمع جهانی ساکنان شهری» در مکزیک در سال ۲۰۰۰ بود؛ جایی که تقریباً ۳۰۰ نماینده از سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی از ۳۵ کشور شرکت کردند. در مدت طرح «بازاندیشیدن درباره شهر از جانب مردم»، شرکت‌کنندگان مفهوم‌سازی یک آرمان جمعی را مورد بحث قرار دادند. آرمانی که ساخت شهرهای دموکراتیک، فراگیر، آموزشی، قابل زندگی، پایدار، تولیدی و امن را به ارمغان می‌آورد. یک سال بعد در زمان اولین اجلاس اجتماعی جهان، فرآیند قاعده‌مندسازی منشور آغاز گردید.^۲

منشور حق بر شهر این حقوق را بعنوان حق استفاده عادلانه از شهرها مطابق اصول پایداری، دموکراسی، انصاف و عدالت اجتماعی تعریف می‌کند. ترویج و انتشار این منشور در سطح جهانی از جامعه مدنی آمریکای لاتین سرچشمه گرفته بود. در ابتدا منشور بعنوان سند سیاسی بود که مربوط به جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌های مدنی که به موضوع علاقه‌مند بودند، می‌شد و بتدریج به مقامات محلی و اعضای بین‌المللی و دیگر بخش‌های عمومی، خصوصی و اجتماعی گسترش یافت.^۳

۴-۶. منشور حقوق و مسئولیت‌های مونترال

بعد از طی مذاکرات طولانی بین دولت‌شهر و گروه‌های اجتماعی مدنی، منشور حقوق و مسئولیت‌های مونترال توسط شهرداری مونترال در سال ۲۰۰۶ تصویب شد. توافق شد که این سند یک تفاهم‌نامه^۴ بین شهرداری و شهروندان باشد. منشور، شهروندان را به این صورت تعریف می‌کند: «هر فردی که در قلمرو شهر زندگی می‌کند»، به این معنا که شهروندی رسمی دولت-ملت برای عضویت در جامعه سیاسی شهری نیاز نیست. منشور مستقیماً به حقوق بشر سازمان ملل متحد ارجاع می‌دهد و تعداد زیادی حقوق جدید برای

1. Toward the City of Solidarity and Citizenship.

2. Enrique Ortiz Forez et al *The Right to the City around the World* (Latin America: Habitat International Coalition, 2006) (2006), at 6.

3. Ibid. at 8.

4. Memorandum of Understanding.

شهروندان پیشنهاد می‌دهد. حقوقی نظیر مشارکت در تصمیم‌گیری‌های شهری، مسکن مناسب، حقوق فرهنگی، امنیت فیزیکی، خدمات شهری و توسعه پایدار. این منشور بیشتر مشابه بیانیه مشترک میان دولت و شهروندان است تا تضمین کند که شهروندان از این حقوق بهره‌مند خواهند شد. هرچند که منشور برای شهرداری لازم‌الاتباع است اما شهرداری از نظر قانونی متعهد و ملزم به آن نیست. ماده ۳۲ بیان می‌دارد: «هر شهروندی که باور دارد که به او ستمی روا شده... می‌تواند شکایتی را نزد مرجع صالح اداری^۱ طرح کند. این منشور به عنوان مبنایی برای اقدام قانونی در قالب قضایی یا شبه قضایی به کار نمی‌رود.»^۲ اگر دادرس فکر کند که ادعای وی درخور توجه است او قادر به کوشش برای اقامه دعوی است. اگر نتواند، هیچ چاره دیگری وجود ندارد تا دادرس گزارشی را که ادعای وی را اعتبار دهد منتشر کند و شهرداری را احضار کند. بنابراین هرچند که منشور تصویب شده است، اما از نظر قانونی الزام‌آور نیست و حقوق آن به طور کامل مدون نشده است.^۳

۵-۶. منشور حق بر شهر مکزیکوسیتی

منشور حق بر شهر مکزیکوسیتی در اوایل سال ۲۰۰۷ شکل گرفت و به‌طور رسمی به دولت فدرال پیشنهاد شد. از آن پس یکسری اقدامات عمومی برای ترویج و ارتقای منشور و هماهنگ کردن فعالیت‌ها و تبادل تجربیات در شهرهای مختلف کشور صورت پذیرفت. در سال ۲۰۰۸ دولت به‌طور رسمی فرایند ایجاد منشور را آغاز کرد. در آن زمان رئیس دولت مکزیکوسیتی تأکید کرد: «این تلاش نتایج مثبت بسیاری برای آینده شهر» خواهد داشت و متعهد شده است که به پیشنهادات گوش فرا دهد و مجلس قانون‌گذاری را برای ایجاد سندی قانونی دعوت کند؛ سندی که تعهدات، سیاست‌های عمومی و شکل جدیدی از مدیریت را ارائه خواهد داد. پیش‌نویس منشور در اوایل سپتامبر ۲۰۰۹ تکمیل شد و به رئیس دولت مکزیکوسیتی جهت ارزیابی ارائه گردید. در نهایت در سال ۲۰۱۰

1. Ombudsman.

2. Montreal Charter of Rights and Responsibilities, Article 32.

3. Mark Purcell, op. cit. at 143-144.

امضا و تصویب شد.^۱ منشور، متضمن موضوعات و اهداف مشخصی بود. ایجاد شهری منحصر به فرد، زیست‌پذیر، عادلانه، دموکراتیک، پایدار و لذت‌بخش، برانگیختن فرآیندهای سازمان اجتماعی، تقویت بافت اجتماعی، ایجاد شهروندی فعال، مسئول و ایجاد اقتصاد شهری عادلانه و حمایتگر از این جمله‌اند. به‌طور گسترده‌تر، منشور با عمیق‌ترین دلایل محرومیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سرزمینی، سیاسی و روانی مواجه می‌شود. برای آن‌ها به دنبال پاسخ اجتماعی می‌گردد و با رویکرد «شهر به مثابه یک کالا» مقابله می‌کند. بی‌شک حق بر شهر، رویکرد پیچیده‌ای است که خواهان ارتباط حقوق بشر در مفهوم کلی با دموکراسی در ابعاد گوناگون آن است. منشور مکزیکوسیتی با الهام از منشور جهانی حق بر شهر، این حق را به عنوان حق استفاده منصفانه شهرها از اصول پایداری، دموکراسی، انصاف و عدالت اجتماعی تعریف می‌کند.^۲

محتوای منشور حول عنوان «شهری که ما می‌خواهیم» و اهدافی پایه‌گذاری شده است. اجرای کامل حقوق بشر در شهر، عملکرد اجتماعی شهر، زمین و اموال، مدیریت دموکراتیک شهر، مدیریت پایدار و پاسخگوی منابع طبیعی، میراث و انرژی شهر و پیرامون آن، برخورداری دموکراتیک و منصفانه از امکانات شهر از جمله این اهداف هستند. حق به شهر به عنوان حقی چندوجهی در پرجمعیت‌ترین کلان‌شهرهای جهان و در روابطی چندوجهی با مناطق پیراشهری و برای کاستن از فشار بر محیط طبیعی، باید بینشی داشته باشد که از رویکرد متخصصان رشته‌های مختلف مربوط به شهر و تجربه‌های حرفه‌ای و آنچه در ادارات دولتی از شهر در ذهن دارند، فراتر رود و از فردگرایی و مصرف‌محور بودن شهر نیز درگذرد. منشور حق به شهر تأکید دارد که دموکراسی و حقوق بشر پدیده‌هایی انتزاعی نیستند که برای مردمی خاص و در مکانی خاص بروز یابند. نمی‌توان حق زندگی شهری درخور را برای شهر به رسمیت شناخت، ولی همین حق را از پیرامون آن دریغ کرد. ضرورت نگاه یکپارچه به شهر و مناطق پیراشهری هشدار داده شده در دهه‌های گذشته در دستور کار قرار دارد و بازنگری و ایجاد تغییرات در الگوهای تولید، توزیع و مصرف موجود برای تحقق حق به شهر ضروری است. حق به

1. María Lorena Zárate, "Mexico City Charter: The Right to Build the City We Dream About", *Cities for All: Proposals and Experiences toward the Right to the City*, (Chile: Habitat International Coalition (HIC), 2010), at 260-261.

2. Ibid.

شهر در منشور مکزیکوسیتی، ابزاری برای حمایت‌های دوسویه میان مدیریت شهری و شهروندان شامل بحث و گفتگو، شکل گرفتن، انتقال، تدقیق و تجربه کردن دیدگاه‌های پراکنده برای باز توزیع فضا، ثروت و تصمیم‌سازی با توجه به نیازهای جامعه در حال و آینده است.^۱

۶-۶. برنامه منشور جهانی برای حقوق بشر در شهر

«برنامه منشور جهانی برای حقوق بشر در شهر» به منظور مشارکت در ترویج بین‌المللی حقوق بشر و حق بر شهر توسط «شهرهای متحد و دولت‌های محلی» در سال ۲۰۱۱ در فلورانس ایتالیا تصویب شد.^۲ بر اساس این برنامه، همه ساکنان نسبت به شهری که به عنوان یک جامعه سیاسی محلی تشکیل شده است، حق دارند تا شرایط زندگی مناسب برای همه مردم تضمین شود و همزیستی خوبی میان همه ساکنان و میان آنان با مقام محلی برقرار گردد.^۳ حق مشارکت در مدیریت شهری و سیاسی و تصمیم‌گیری در سیاست‌های عمومی محلی، حق بر امنیت در برابر هرنوع خشونت، حق برابری زن و مرد و عدم تبعیض، حق کودکان بر توسعه فیزیکی، روحی و اخلاقی و بهره‌مندی از تمام حقوق شناسایی شده در کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، حق دسترسی به خدمات عمومی، آزادی مذهب، عقیده و اطلاعات، حقوق فرهنگی همچون حق بر آموزش، حق بر مسکن و اقامتگاه مناسب و ایمن، حق بر آب و غذای سالم، حق بر توسعه شهری پایدار، دسترسی به محیط زیست سالم، کاهش دلایل اذیت و آزار ساکنان همچون ترافیک و افزایش کیفیت هوا از جمله حقوقی بشری در شهرهاست که در برنامه منشور جهانی برای حقوق بشر در شهر شناسایی شده است.^۴

۱. محسن حبیبی و مریم امیری، همان، صص ۲۴-۲۵.

2. Global Charter-Agenda for Human Rights in the City, United Cities and Local Governments (CGLU), Florence (Italy), 11 December 2011.

3. Ibid. Para I.

4. Available at: https://www.uclg-cisdp.org/sites/default/files/UCLG_Global_Charter_Agenda_HR_City_0.pdf, last seen: 2019/11/28.

۷-۶. کنفرانس ملل متحد درباره مسکن و توسعه شهری پایدار

کنفرانس ملل متحد درباره مسکن و توسعه شهری پایدار معروف به برنامه اسکان ملل متحد ۳ که در سال ۲۰۱۶ برگزار شده است،^۱ طرحی را معرفی می‌کند که در آن حق بر شهر بعنوان عنصری جهت توسعه شهری تلقی می‌گردد. در این کنفرانس سه رکن اصلی برای حق بر شهر تعریف شده است:

- توزیع منصفانه منابع از نظر مکانی:^۲ دسترسی به مسکن مناسب برای همه ساکنان یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که امروزه شهرها با آن مواجه هستند.^۳ همچنین تعداد و کیفیت فضاهای عمومی و مشترکات شهری و دسترسی امن زنان و کودکان به آن از جمله مسائل بحرانی شهرها است.^۴ به علاوه مناطق شهری و ساختمان‌های آن ممکن است با حوادثی طبیعی همچون سیل و زلزله مواجه شوند. ایجاد محیطی ایمن و مقاوم در برابر خطرات زیست‌محیطی برای اشخاصی که در محیط‌های آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند، باید در اولویت قرار گیرد.^۵

- نمایندگی سیاسی:^۶ مدیریت شهری و حفظ ظاهر شهرها چالش اصلی دولت‌ها برای تضمین امنیت اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی شهرها است. همچنین هسته اصلی حق بر شهر را شهروندان تشکیل می‌دهند که شامل همه ساکنان خواه موقت یا دائمی، خواه قانونی یا غیررسمی می‌شود. همه تصمیم‌گیری‌ها درباره خدمات عمومی و برنامه‌ریزی شهری باید با مشارکت ساکنان (شامل زنان بدون تبعیض)^۷ صورت پذیرد.

- تنوع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی:^۸ مدل‌های شهرسازی که رشد اقتصادی را بر خوشبختی و آسایش بشر ترجیح می‌دهند، حق بر شهر را تخریب و ضایع می‌کنند. جمعیت شهری برای دستیابی به آسایش و معیشت امن با مشکلاتی مواجه است: فقدان

1. United Nations Conference on Housing and Sustainable Urban Development (Habitat III), 2016.

2. Spatially Just Resource Distribution

3. Habitat III, Para. 19.

4. Ibid. Para. 20.

5. Ibid. Para. 26.

6. Political Agency.

7. Ibid. Para. 28-29 -32.

8. Social, Economic and Cultural Diversity.

سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری در مناطق شهری کم‌درآمد و فقدان حمایت از مشاغل شهری از این جمله هستند. معیارهای اصلی رفاه ساکنان شهر شامل بهره‌مندی از نیازهای بشری جهانی، دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی و افزایش شادی و کیفیت زندگی است.^۱ به علاوه، حق بر ایمنی و امنیت بعد اصلی حق بر شهر است که بواسطه ارتکاب جرایم و خشونت در شهرها تحلیل رفته است و قشر آسیب‌پذیر به خصوص زنان و دختران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^۲

دولت‌ها می‌توانند مولفه‌های فوق را از طریق قوانین ملی خود و از طریق قضایی اصلاح کنند و به نحو صحیحی به اجرا درآورند. این برنامه قصد دارد که با پیشنهاد سیاست‌ها و اقداماتی، حق بر شهر را که یک حق جمعی است تحقق بخشد.^۳

۷. مسئولین حفظ و اجرای حق بر شهر

آنچه نسل سوم حقوق بشر با خود به ارمغان آورده است، حمایت از حقوق بشر در سطح جمعی، علاوه بر سطح فردی است و این حق باید از سوی نهادهای مختلف مورد حمایت و حفاظت قرار گیرد. در عرصه حقوق، یکی از معانی «حق داشتن» همانا حق مطالبه و ادعا است. بدین معنا که چون این حق‌ها در حقیقت ادعای بر غیر هستند؛ در مقابل، وظیفه غیر در انجام و اجرای اینگونه حق‌ها نمایان می‌شود. به عبارت دیگر، لازمه برخورداری از چنین حق‌هایی فرض وظیفه خاصی در طرف دیگر است.^۴ حق بر شهر نیز با این تعریف از حق بیگانه نیست. برای تحقق حق بر شهر به اتحاد دولت‌ها، شهروندان و بخش خصوصی نیاز است و آن‌ها وظایفی را برای اجرای حق بر شهر برعهده دارند. منشور جهانی حق بر شهر، نهادهای بین‌المللی، دولت‌های ملی، استانی، منطقه‌ای، شهری و محلی را مسئول اجرای موثر و دفاع از حقوق بیان شده در منشور می‌داند.^۵ دو گروه

1. Ibid. Para. 34 -35.

2. Ibid. Para. 38.

3. Ibid. Para. 87.

۴. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: محمد قاری سیدفاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر؛ درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، دفتر یکم، چاپ سوم (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰) صص ۵۲-۴۰.

5. World Charter for the Right to the City, Article XVII, part, 1.

دولت و بازیگران غیردولتی بیشترین مسئولیت را در حفاظت از حق بر شهر و اجرای آن برعهده دارند.

۱-۷. دولت

در خصوص رعایت حقوق بشر و یا نقض آن، مسئولیت بیشتر متوجه دولت‌هاست؛ زیرا این دولت‌ها هستند که بیشترین ابزار و امکانات مالی و معنوی را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر و همچنین تضمین حمایت از حقوق بشر در اختیار دارند.^۱ حقوق بشر متضمن سه شکل از تعهد برای دولت‌ها است؛ تعهد به احترام^۲، تعهد به حمایت^۳ و تعهد به ایفا.^۴ در تعهد به احترام دولت موظف به اجتناب از مداخله در آزادی شهروندان می‌گردد. حال آنکه در تعهد به حمایت مکلف به بازداشتن دیگران از مداخله و در تعهد به ایفا ملزم به انجام اقدامات ضروری در تأمین محتوای حق است.^۵

بر اساس منشور جهانی حق بر شهر، دولت مکلف است اقداماتی را برای به رسمیت شناختن و حفاظت از حق بر شهر تولید و ترویج نمایند؛ نظیر تدوین برنامه‌های ضروری برای توسعه پایدار شهرها مطابق با اصول مندرج در این منشور، ایجاد سیستم‌های مشارکتی با مشارکت گسترده جامعه مدنی برای ترویج توسعه پایدار در شهرها، تصویب و اجرای معاهدات حقوق بشری و دیگر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای که به ایجاد حق بر شهر کمک می‌کنند.^۶ دولت‌ها مسئولیت دارند تا توزیع عادلانه اجتماعی و فضایی منابع شهری موجود را تضمین و مشارکت سیاسی و تنوع اقتصادی-اجتماعی را در تفاسیر حق بر شهر لحاظ و تقویت کنند.^۷ دولت‌ها برای اعمال حق بر شهر و ایجاد یک چشم‌انداز استراتژیک و چارچوب عملیاتی بر گفتگوهای نزدیک با شهروندان متمرکز هستند. دولت‌ها باید تمام اقدامات لازم را اتخاذ کنند تا به وسیله همه ابزارهای مناسب و با اتخاذ

۱. محمد اسحاق دانش، «تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق بشر»، پژوهشنامه گوهرشاد، زمستان، سال دوم، شماره ۲، (۱۳۹۵)، ص ۱.

2. Obligation to Respect.
3. Obligation to Protect.
4. Obligation to Fulfill.

۵. محمد قاری سیدفاطمی، همان، صص ۲۵۶-۲۵۷.

6. World Charter for the Right to the City, Article XXI, part II.
7. Eva Garcia Chueca, *The Right to the City Building another Possible World* (Brazil: Global Platform for the Right to the City, 2016) at 29.

اقدامات قانونی، نظارتی و سیاسی به تحقق کامل حق بر شهر دست یابند. آن‌ها باید مشارکت شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی را تضمین کنند؛ این امر از طریق طراحی برنامه‌های شفاف و مشارکتی، تصمیم‌گیری، اجرای برنامه و نظارت سیاسی محقق می‌شود. همچنین آن‌ها باید در خصوص اجرای حق بر شهر به کارکنان مسئول تحقق این حق آموزش دهند، سطح آگاهی‌های عمومی را ارتقا دهند و دانش تولیدشده را توسعه بخشند. شهرها رویکردهای مختلفی را در راستای عملی کردن حق بر شهر مورد پذیرش قرار داده‌اند. تصویب منشور شهر، تصویب قوانین شهری که حقوق بشر و حق بر شهر را تضمین کند، تأسیس دیوان محلی برای رسیدگی به شکایات مردم و ایجاد یک دپارتمان شهری برای تضمین حق بر شهر از این جمله‌اند.^۱ دولت‌ها مسئولیت دارند تا تعهدات قانونی خود را با قوانین حقوق بشر بین‌المللی تطبیق دهند و در عین حال قادر به ایجاد چارچوب‌های قانونی باشند تا به درک ابعاد و اجزای مختلف حق بر شهر کمک کنند.

سیاست‌های شهری که با حق بر شهر منطبق هستند، کلید ایجاد و افزایش اقدامات سیاسی در سطح محلی در راستای تحقق این حق هستند. این سیاست‌ها باید یک مکانیزم مشارکتی را برای تسهیل گفتگوهای سیاسی بین سطوح ملی و فراملیتی و نیز بین بازیگران دولتی و غیردولتی، به‌ویژه سازمان‌های جامعه مدنی که گروه‌های حاشیه‌نشین شهر را معرفی می‌کنند، ایجاد کند. دولت‌ها همچنین مسئولیت تأمین بودجه کافی برای تحقق حق بر شهر را دارند. آموزش مناسب و ظرفیت‌سازی نیز برای تقویت نقش دولت ضروری است. دولت‌ها باید چارچوبی را جهت تشویق بخش خصوصی برای انطباق با استانداردهای حقوق بشر و حق بر شهر به وجود آورند. برخی از دولت‌ها قوانین اساسی خود را برای ایجاد عالی‌ترین پایه حقوقی برای حق بر شهر توسعه داده‌اند یا نهادهای دولتی خاصی یا مکانیزم‌های مشارکتی برای اجرای آن ایجاد کرده‌اند.^۲

نقش دولت‌های محلی در حفاظت و گسترش حقوق بشر در اسناد متعدد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد شناسایی شده است. به طور مثال در بند ۲۶ گزارش A/HRC/30/49 شورای حقوق بشر در خصوص نقش دولت‌های محلی در حفاظت از حقوق بشر به رابطه نزدیک این دولت‌ها با نیازهای شهروندان و برخورد آنان با

1. Ibid. at 30.

2. Ibid. at 30-31.

موضوعات حقوق بشری تأکید شده است. همچنین در بند ۴۲ گزارش به طور صریح به شناسایی حقوق بشر در شهر می‌پردازد و شهرها را به عنوان بازیگران اصلی حمایت از حقوق بشر معرفی و دولت محلی و مردم را از نظر اخلاقی و قانونی تابع اصول حقوق بشر می‌داند.^۱

نهاد قضایی نیز به عنوان بخشی از دولت، نقش حیاتی در حفاظت از حقوق و تضمین حاکمیت قوانین عادلانه بازی می‌کند. این نهاد، مسئولیت اعمال حق بر شهر را برعهده دارد. حمایت از حق بر شهر نیاز به مکانیزم‌های قضایی موثر و کافی جهت اتخاذ اقدامات قانونی در دادگاه‌ها و مراحل مختلف قضایی دارد. همچنین نهاد قضایی مسئولیت آموزش قضات را به منظور اجرا و تفسیر درست حق بر شهر برعهده دارد.^۲

۲-۷. بازیگران غیردولتی

شهروندان هم حق و هم مسئولیت مشارکت در ایجاد و شکل‌گیری شهر را دارند. چندین تجارب خودمدیریتی گذشته که توسط گروه‌ها و جوامع محلی در زمینه تهیه مسکن، ارائه خدمات، تأمین معیشت و توسعه فرهنگی صورت پذیرفته، شهروندان خود سازمان‌یافته را نشان داده است که نقش کلیدی را در پیشبرد حق بر شهر بازی می‌کنند. جامعه مدنی نیز حق و مسئولیت مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی برای درخواست و دفاع از حق بر شهر را چه به صورت فردی یا از طریق گروه‌ها، جوامع و سازمان‌ها (از جمله انجمن‌ها، سازمان‌های غیر دولتی، جنبش‌های اجتماعی، اتحادیه‌های کار، سازمان‌های کارگری و دیگر گروه‌های ذی‌نفع) دارد. چنین گروه‌هایی مشارکت برابر زنان و گروه‌های شهری حاشیه‌ای را پرورش می‌دهند.^۳ به طور مثال «بستر جهانی برای حق بر شهر»، مجموعه‌ای از چند سازمان مدنی است که در سال ۲۰۱۴ در سائوپائولو با هدف گسترش حق بر شهر در سطوح محلی و بین‌المللی و ارائه تعریفی جدید، کامل و دموکراتیک از توسعه شهری ایجاد گردید. ائتلاف بین‌المللی هیئات (برنامه اسکان بشر

1. Role of Local Government in the Promotion and Protection of Human Rights – Final Report of the Human Rights Council Advisory Committee, Human Rights Council, A/HRC/30/49, 7 August 2015.

2. Eva Garcia Chueca, op. cit. at 31.

3. Ibid. at 29.

ملل متحد)^۱ نیز جزئی از این بستر جهانی است. این ائتلاف، شبکه‌ای جهانی است که برای حمایت از عدالت اجتماعی، برابری جنسیتی، پایداری زیست‌محیطی و گسترش و پیشرفت حقوق بشر در زمینه مسکن و زمین در مناطق شهری و روستایی تشکیل گردیده است.^۲ همچنین مراکز آموزشی و تحقیقاتی و صاحبان مشاغل حرفه‌ای (معماران، برنامه‌ریزان شهری، مهندسان و وکلا) در یک موقعیت کلیدی برای افزایش، حمایت و تحقق حق بر شهر قرار گرفته‌اند.^۳ شهروندان در یک جامعه شهروندمدار از حق خلق فضای شهری و ایجاد شهر قانون‌مدار برخوردار می‌شوند. آنان بر روند شکل‌گیری شهر نظارت می‌کنند و با بهره‌مندی از ابزار قانونی در برابر تخلفات گسترده‌ای که شهر را به یک کانون بزرگ جمعیتی ناایمن تبدیل می‌کند، سکوت نمی‌کنند.

بخش خصوصی نیز باید در یک چارچوب قانونی و احترام به حقوق بشر فعالیت کند. این بخش باید فعالیت‌های اقتصادی خود را در چارچوب مسئولیت اجتماعی به عهده گیرد تا اهداف اجتماعی را در اولویت قرار دهد و رویکردهای فراگیر و پایدار شهرنشینی را تضمین کند. نهادهای خصوصی در حالیکه عملکردهای عمومی را اجرا می‌کنند یا خدمات اساسی را ارائه می‌کنند، مسئولیت ویژه‌ای بر عهده دارند تا با استانداردهای حقوق بشر مطابقت داشته باشند و باید پاسخگو باشند.^۴ شهرها باید مشارکت نمایندگان بخش خصوصی را در برنامه‌های اجتماعی و تلاش‌های اقتصادی با هدف توسعه همبستگی و برابری کامل میان ساکنان مطابق اصول ارائه شده در منشور جهانی حق بر شهر، تضمین کنند.^۵

نتیجه‌گیری

قانون، شهر و تمدن سه همراه دیرینه تاریخی‌اند. شهرها نشانه بلوغ فکری انسان و نماد رشد فرهنگ و آغاز دوران یک‌جانشینی انسان‌ها هستند. شهرنشینی ریشه در اعماق تاریخ دارد. شهر رد پای هنر در فضا است؛ تصویری واقعی از قاب زندگی که همچون موسیقی،

1. Habitat International Coalition (HIC).

2. Available at: <https://www.hic-net.org/> Global Network For the Right to Habitat and Social Justice, last seen:2019/11/29.

3. Eva Garcia chueca, op. cit. at 29.

4. Ibid. at 32.

5. World Charter for the Right to the City, Article II, Part.5.

شعر و نقاشی و معماری می‌تواند دلنشین و چشم‌نواز باشد. جامعه‌ای که به عدالت و برابری پایبند است آن را در بند گفتار، گرفتار نمی‌کند. هدف حقوق اجرای عدالت است. برنامه‌ریزی جامع‌نگر که انسان‌محوری را پایه اندیشه‌ورزی قرار دهد، در شهر ضروری می‌نماید.

حق بر شهر ایده‌ای است که از اولین بارقه‌های ظهور آن بیش از پنجاه سال می‌گذرد، اما تنها در دهه اخیر است که نظرها را به خود جلب کرده است؛ زمانی که مشکلات و معضلات شهرنشینی بیش از پیش نمایان شده‌اند و زندگی انسان‌ها را تحت الشعاع قرار داده‌اند. شهرها از هدف اولیه خود که همانا تأمین رفاه و آسایش شهروندان بوده است، فاصله گرفته‌اند و تبدیل به مراکز پرجمعیتی شده‌اند که بیش از پیش حقوق ساکنان خود را نقض می‌کنند. حق حیات، حق بر سلامتی، حق بر مسکن مناسب، حق بر محیط زیست سالم و هوای پاک و حق رفت و آمد آسان در شهر از جمله حقوقی هستند که با گسترش شهرها نادیده گرفته شده‌اند و جای خود را به منفعت‌طلبی و فردگرایی داده‌اند.

حق بر شهر از جمله حقوق نسل سوم است. مبانی آن را حقوق نسل اول و دوم حقوق بشر تشکیل می‌دهد. تحقق این حق نیاز به همکاری و تلاش افراد، دولت‌ها، انجمن‌های عمومی و خصوصی و جامعه بین‌المللی دارد و صرفاً با تلاش همه عوامل اجتماعی ظهور و بروز می‌یابد. همه ساکنان شهر بایستی از ارزش‌هایی که در این حقوق مورد توجه قرار می‌گیرند به طور جمعی و مساوی منتفع گردند، چراکه این حق مبتنی بر برابری و عدم تبعیض است.

سازمان ملل متحد با برگزاری کنفرانس ملل متحد درباره مسکن و توسعه شهری پایدار، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و کشورهای همچون برزیل و مکزیک، اندیشه حمایت از شهر را به ورطه عمل نزدیک کرده‌اند و به تدوین اسنادی همت گماشته‌اند که حق بر شهر را شناسایی و نهادهای مسئول حفاظت از آن را تعیین کرده‌اند. کشور ما ایران علی‌رغم اینکه از رخنه و هجوم این آسیب‌ها و معضلات در امان نبوده است، تاکنون اقدامی در جهت شناسایی این حق و اعمال آن انجام نداده است. فجایع طبیعی یا انسانی که در سال‌های اخیر خسارات جسمی، مادی و روحی بر مردم ما وارد آورده است، ضرورت اتخاذ تدابیری را آشکار می‌سازد. تصویب قوانین مرتبط با شهر و شهروندان و تنظیم منشور برای هر شهر به صورت جداگانه - بخصوص در کلان‌شهرها-

می‌تواند ضعف‌های شهرهای مختلف را به طور مجزا مشخص کند و نهادهای مسئول را موظف به اجرای آن سازد تا از بروز دیگر وقایع دلخراش جلوگیری شود. این نوشتار معرفی حقی است که سخن گفتن از آن در شرایط فعلی شهرها ضرورت جامعه علمی است، تا راه را بر نهادهایی که در عرصه عمل فعالیت می‌کنند، بگشاید و چراغی باشد که ضمن شناسایی مشکلات، درصدد رفع و پیشگیری از احتمال وقوع آنان در آتیه برآید. تدوین منشور حق بر شهر برای کلان‌شهرها و حتی دیگر مناطق شهری می‌تواند نخستین قدم در راه حمایت و حفظ حقوق شهر و ساکنان آن باشد.

منابع

کتاب‌ها

- جین، مارک، شهرها و مصرف، ترجمه ابوالفضل مشکینی؛ نصرالدین الیاس زاده مقدم و اشرف راضی (تهران: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، ۱۳۹۱).
- غمامی، مجید، مجموعه شهری تهران؛ گزیده مطالعات طرح راهبردی توسعه کالبدی (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳).
- قاری سید فاطمی، محمد، حقوق بشر در جهان معاصر؛ درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، دفتر یکم، چاپ سوم (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۹۰).
- کامیار، غلامرضا، شهر در پرتو رویه قضایی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۵).
- کامیار، غلامرضا، حقوق شهری و شهرسازی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۶).
- مامفورد، لوییز، فرهنگ شهرها، مترجم عارف اقوامی مقدم (تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۵).
- واقفی، ایمان؛ حاجی میرزایی، هم؛ ترکمنه، آیدین؛ جهانزاد، نریمان، آنتری لوفور (مشهد: کتابکده کسری، ۱۳۹۸).

مقاله‌ها

- افتخار جهرمی، گودرز، «حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار»، مجله تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان، شماره ۵۰، (۱۳۸۸).
- انصاری، باقر، «مبانی حقوق همبستگی»، فصلنامه حقوق، زمستان، دوره ۴۱، شماره ۴، (۱۳۹۰).

- حبیبی، محسن و امیری، مریم، «حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه هست و آنچه باید باشد»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، پاییز و زمستان، دوره ۵، شماره ۲، (۱۳۹۴).
- دانش، محمد اسحاق، «تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق بشر»، پژوهشنامه گهرشاد، زمستان، سال دوم، شماره ۲، (۱۳۹۵).
- راسخ، محمد، عامری، فائزه، «رویکرد نظری به مفهوم حق نسل سوم»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، بهار و زمستان، سال پانزدهم، شماره ۳۹، (۱۳۹۲).
- رهبری، لادن، شارع‌پور، محمود، «جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، بهار، دوره ۱۴، شماره ۱، (۱۳۹۳).
- صلح‌چی، محمد علی، درگاهی، رامین، «بررسی ماهیت حقوق همبستگی: حقوق جمعی یا مردمی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، زمستان، سال پانزدهم، شماره ۱۴، (۱۳۹۲).
- کلاتری، عبدالحسین، صدیقی کسمایی، مینو، «از مطالبه‌ی حق به شهر تا شکل‌گیری انقلاب شهری (شهر تهران، سال ۱۳۵۷)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، تابستان، سال هفتم، شماره ۲۳، (۱۳۹۶).

References

Books

- Bretas Barros and el, “Commentary on the City Statute”, Cited in: *The City Statute of Brazil a Commentary* (Brazil: Cities Alliance and Ministry of Cities, 2010).
- Cymblista, Renato, *The Challenges of the Democratic Management in Brazil: The Right to the City* (Brazil: Ford Foundation, 2008).
- Faetanini, Marina, *Urban Policies and the Right to the City in India, Rights, Responsibilities and Citizenship* (India: The United Nation Educational, Scientific and Cultural Organization, 2011).
- Fonster, Tovi, “The Right to the City and Gendered Everyday Life”, Cited in: *Cities for All: Proposals and Experiences toward the Right to the City* (Chile: Habitat International Coalition (HIC), 2010).
- Garcia, Chueca, Eva, *The Right to the City Building another Possible World* (Brazil: Global Platform for the Right to the City, 2016).
- Lorena Zárate, María, “Mexico City Charter: The Right to Build the City We Dream About”, Cited in: *Cities for All: Proposals and Experiences toward the Right to the City* (Chile: Habitat International Coalition (HIC), 2010).

- Marcuse, Peter, "Rights in Cities and the Right to the City", Cited in: *Cities for All: Proposals and Experiences toward the Right to the City*, (Chile: Habitat International Coalition (HIC), 2010).
- Mathivet, Charlotte, "The Right to the City: Keys to Understanding the Proposal for "Another City is Possible", Cited in: *Cities for All: Proposals and Experiences toward the Right to the City* (Chile: Habitat International Coalition (HIC), 2010).
- Mitchellm, Don, *The Rights to the City: Social Justice and the Fight for Public Space* (New York: The Guilford Press, 2003).
- Ortiz, Enrique, "Toward a World Charter for the Right to the City", cited in: *The Right to the City around the World*, Habitat International Coalition (Latin America: Habitat International Coalition, 2006).
- Rodrigues, Evaniza and et al, "Popular Movements and the City Statute", cited in: *The City Statute of Brazil a Commentary* (Brazil: Cities Alliance and Ministry of Cities, 2010).
- Ugranyes Ana et al, *Cities for All: Proposals and Experiences toward the Right to the City* (Chile: Habitat International Coalition (HIC), 2010).

Articles

- Dikeç, Mustafa, "Justice and the Spatial Imagination", *Environment and Planning A*, Vol. 33, (2001).
- Harvey, David, "The Right to the City", *New Left Review*, September-October, Vol. 53, (2008).
- Purcell, Mark, "Possible Worlds: Henri Lefebvre and the Right to the City", *Journal of Urban Affairs*, Vol. 36, No.1, (2013).
- Purcell, Mark, "Citizenship and the Right to the Global City: Reimagining the Capitalist World Order", *International Journal of Urban and Regional Research*, Vol. 27. No. 3, (2003).
- Shamsuddin, Sh.B; Hussin, N, "Safe City Concept and Crime Prevention through Environmental Designe (CPTED) for Urban Sustainability in Malaysian Cities", *American Transactions on Engineering & Applied Sciences*, Volo 2, No. 3, (2013).

Documents

- Global Charter-Agenda for Human Rights in the City, United Cities and Local Governments (CGLU), Florence (Italy), 11 December 2011.
- Mexico City Charter for the Right to the City, 2010.

- Role of local government in the promotion and protection of human rights
–Final report of the Human Rights Council Advisory Committee,
Human Rights Council, A/HRC/30/49, 7August 2015.
- The European Charter for Human Rights in the Cities, 2000.
- The Montréal Charter of Rights and Responsibilities, 2006.
- United Nations Conference on Housing and Sustainable Urban Development
(Habitat III), 2016.
- World Charter for the Right to the City, Social Forum of the Americas – Quito –
July 2004, World Urban Forum – Barcelona – September 2004.

